

## بسمه تعالی

### جلسه‌ی ۱۱۷ تفسیر سوره‌ی مبارکه‌ی بقره

حجت‌الاسلام و المسلمین قاسمیان - پنج‌شنبه ۲۲ اسفند ۹۸

- ۱- بحث روز؛ اپیدمی کرونا، سؤالات و مباحث پیرامونی..... ۳
- ۱-۱- بعد منفی حادثه: گناه فرد یا امت، علت نزول بلا و بیماری..... ۳
- ۱-۲- بعد مثبت حادثه: بیماری، سبب غفران الهی و ریزش گناهان..... ۴
- ۱-۳- تأویل حوادث، نقش مثبت تغال به خیر در روند یک حادثه..... ۵
- ۱-۴- پیامدهای عدم مدیریت جامع و عدم جامع‌نگری در این حادثه..... ۶
- ۱-۴-۱. تعطیل شدن اجتماعات المؤمنین به عنوان نقطه اصلی تمرکز شیعه..... ۷
- ۱-۴-۲. بروز شبه‌ی اعتقادی و مشکلات فرهنگی و اقتصادی و ... و بحران مدیریت افکار عمومی..... ۷
- ۱-۴-۳. نادیده گرفتن نقشه‌های نظام سلطه..... ۹
- ۱-۵- مجال دادن به طب‌های جایگزین برای درمان چنین بیماریهایی..... ۹
- ۱-۶- نقش دعا خصوصاً دعای هفتم صحیفه [در رفع و دفع بیماری و بلا چیست؟]..... ۱۰
- ۲- دین واحد منطبق با فطرت..... ۱۰
- ۱-۲- تصدیق کتب قبلی در عین تصدیق انبیاء قبلی، نشانه وحدت محتوایی در دین..... ۱۱
- ۲-۲- لا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ... ایمان به محتوای واحد دین..... ۱۱
- ۲-۲-۱. پذیرش مهیمن بودن قرآن و تفضیل برخی انبیاء بر برخی دیگر در عین پذیرش دین واحد..... ۱۱
- ۲-۳- شرایع شعبه‌ای از دین واحد؛ تفاوت در مناسک نه در محتوای دین..... ۱۲
- ۲-۳-۱. تمامیت خواهی یهود و نصاری ناشی از تعریف دین در سطح شریعت..... ۱۲
- ۲-۳-۲. پذیرش نظام سلطه به جای نظام دینی (برتر دانستن کفار از مؤمنین)، نتیجه تعریف دین در سطح شریعت..... ۱۳
- ۲-۴- تفرقه در دین فطری مساوی شرک..... ۱۳
- ۲-۴-۱. کُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ؛ حزبهای مشرک..... ۱۴
- ۲-۵- تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ؛ هر امتی مرهون اعمال خودش..... ۱۴

آیه‌ی اصلی: ۱۳۴، ۱۳۵ و ۱۳۶ بقره

سایر آیات: ۶۷ حج، ۴۶ مائده، ۱۹ آل عمران، ۳۰ و ۳۱ و ۳۲ روم، ۵۵ اسراء، ۱۱۳ و ۱۲۰ و ۱۳۳ بقره، ۵۱ نساء، ۳۸ مدثر

موضوعات اصلی: دین واحد

موضوعات فرعی: شریعت، تصدیق کتب قبلی، تمامیت خواهی یهود و نصاری، حزب های مشرک.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(بقره: ۱۳۴) تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ لَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَ لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ (بقره: ۱۳۵) وَ قَالُوا كُونُوا هُوداً أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةٌ إِبرَاهِيمَ حَنِيفاً وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (بقره: ۱۳۶) قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَ مَا أُنزِلَ إِلَى إِبرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطِ وَ مَا أُوتِيَ مُوسَى وَ عِيسَى وَ مَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ<sup>۱</sup>

[۱] ضمن عرض عذرخواهی به دلیل اینکه جلسه گذشته کسالتی اتفاق افتاد و نتوانستیم خدمتتان برسیم از اینکه عزیزان محبت کردند و حال ما را جویا شدند؛ تشکر می‌کنم. الحمدلله حالم خوب است. ان شاءالله که حال همه مسلمین و مسلمات و مؤمنین و مؤمنات خوب باشد.

## ۱- بحث روز؛ اپیدمی کرونا، سؤالات و مباحث پیرامونی

[۲] در این ایام کرونایی چند تا سؤال این مدلی از ما شده که قبل از اینکه وارد بحث [قرآنی] شوم؛ این چند تا سؤال را جواب می‌دهم. اولاً اینکه این بلایایی که پیش می‌آید؛ بلایای طبیعی مانند سیل و زلزله یا انواع بیماری‌ها (یک زمان آنفولانزای اچ وان، ان وان و حالا هم اپیدمی کرونا) برای شخص یا برای امت‌ها چه تحلیلی دارد؟ من از چند زاویه به این [مسأله] نگاه می‌کنم. ببینید چه در بحث بلایا و چه در بحث امراض، در مجموعه روایی-مان چند مدل برخورد با این مسائل شده که بحث که پیش برود بهتر مشخص و معلوم می‌شود. البته می‌شود یک بحث موضوعی مفصل راجع به آن کرد ولی فعلاً جواب سرپایی می‌دهیم.

### ۱-۱- بعد منفی حادثه: گناه فرد یا امت، علت نزول بلا و بیماری

[۳] در روایات ما در بحث گناه دارد: «أَمَا إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ عِرْقِي يَضْرِبُ وَ لَا نَكْبِهِ وَ لَا صُدَاعٍ وَ لَا مَرَضٍ إِلَّا بِذَنْبٍ...»؛ هیچ رگی نمی‌زند (پای آدم به جایی گیر نمی‌کند؛ سر درد نمی‌گیرد، مریض نمی‌شود)، مگر به واسطه گناه. «... وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي كِتَابِهِ وَ مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَ يَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ...»؛ آن مصیبتی که برای شما پیش می‌آید به واسطه خودتان است تازه خدا از خیلی از آن‌ها گذشته است. ذیل آیه‌ی ۳۰ سوره شوری (شوری: ۳۰) وَ مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَ يَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ، روایات زیادی داریم که جمع بندی‌اش این است که بخش قابل توجهی از بحث‌های مریضی که پیش می‌آید؛ حاصل گناهان است. یا گناهان

<sup>۱</sup>. آنان گروهی بودند که درگذشتند، آنچه [از طاعت و معصیت] به دست آوردند مربوط به خود آنان است، و آنچه شما به دست آوردید مربوط به خود شماست؛ و شما در برابر آنچه آنان انجام می‌دادند، مسئول نیستید(۱۳۴). و [اهل کتاب به مردم مؤمن] گفتند: یهودی یا نصرانی باشید تا هدایت یابید بگو: بلکه از آیین ابراهیم یکتاپرست و حق‌گرا [پیروی می‌کنیم نه از آیین تحریف‌شده شما که عین گمراهی است] و او هرگز از مشرکان نبود (۱۳۵) [شما مردم مؤمن از روی حقیقت] بگویید [و اقرار کنید]: ما به خدا و آنچه به سوی ما نازل شده، و به آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان [اداری مقام نبوت] آنان فرود آمده، و به آنچه به موسی و عیسی و آنچه به پیامبران از ناحیه پروردگارشان داده شده ایمان آوردیم؛ میان هیچ یک از آنان [در اینکه از سوی خدا برای هدایت مردم مبعوث شده اند] فرقی نمی‌گذاریم، و ما در برابر او تسلیم هستیم(۱۳۶).

فرد است یا گناه‌های اجتماعی (گناه امت‌ها) که انجام شده است که یک سری از بلا یا به این صورت وارد می‌شود.

[۵] البته در روایات هم هست که برای برخی‌ها با اینکه معصوم بوده‌اند؛ [گرفتار] بلایایی بوده‌اند که آن‌ها بلایای ارتقایی می‌بینند. بالاخره این مریضی‌ها برای خود ائمه معصومین علیهم السلام، برای پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و برای انبیاء بوده که جهت ابتلاء صرف و جهت ارتقا بوده است. این یک بعد از بحث مریضی است.

### ۱-۲- بعد مثبت حادثه: بیماری، سبب غفران الهی و ریزش گناهان

[۵] یک بعد دیگر که باید به آن دقت کرد؛ بعد خوب داستان است و آن این است که مریضی‌ها اینگونه که در روایات آمده یک حالت مطهریت برای انسان‌ها و جوامع دارد. البته اگر حواسشان را جمع کنند. یعنی چه؟ خود مریضی باعث می‌شود که گناه‌های شخص بریزد. اولاً ضعف خود را متوجه می‌شود؛ البته اگر متوجه شود. اینکه یک ویروس که با چشم هم دیده نمی‌شود؛ یک بشر گردن کلفت را زمین می‌زند؛ نکته مهمی است. نعمت عافیت نعمتی است که بسیار مجهول است و در روایات آمده که این نعمت را خدا گاهی اوقات می‌گیرد؛ برای اینکه آدم یادش بیاید که نعمت بزرگی به نام عافیت داشته است و حواسش نبوده و شکر الهی را بابت عافیت نمی‌کرده است. می‌بینید که الان در همین مدت یک مقداری حالت قرنطینه و لزوم ضدعفونی بوجود آمده؛ همه را کلافه کرده است. داریم: «نعمتان مجهولتان الصّحّة و الأمان»؛ دو نعمت مجهول است که اگر از آدم بگیرند آدم متوجه می‌شود. خیلی وقت‌ها نعمت‌ها را می‌گیرند برای اینکه این توجه ایجاد شود.

[۷] ما در روایاتمان خیلی داریم که مریضی برای بدن و برای خود شخص انسان خوب است. اگر یک مقداری مریض شود؛ حتی تب کند (حالا جزو علایم کرونا است) ولی گفته‌اند: «حُمِّي لَيْلَةً تَعْدِلُ عِبَادَةَ سَنَةٍ»؛ اگر کسی یک شب تب کند؛ معادل یک سال عبادت است. یعنی اگر خود اینها باعث نوعی از تذکر شود که من این نعمت را داشتم و حالا از من گرفته‌اند؛ خودش محسناتی هم دارد. البته گاهی اوقات پزشکان هم می‌گویند: مریضی یک رزمایش بدن است که باعث می‌شود سیستم دفاعی بدن آماده شود. ما در نهج البلاغه داریم که یک نفر از مریضی‌اش شکایت می‌کرده است. حضرت می‌فرمایند: «فَإِنَّ الْمَرَضَ ... يَحُطُّ السَّيِّئَاتِ، وَ يَحْتَثُّهَا حَتَّى الْأُورَاقِ..»؛ مریضی چیزی است که مثل برگ‌ریزان، گناهان انسان را می‌ریزد. یا در روایاتمان در کافی شریف حتی بابی به نام ثواب المرض داریم. که انسان، یک بهره‌ای در مریض بودن می‌برد. خوب است انسان به این‌ها توجه کند. انسانی که مریض شده؛ انشاءالله خداوند زودتر شفا عنایت کند ولی از آن طرف باعث ریزش گناهان انسان می‌شود تا حدی که عرض کردیم در روایات هست که: «حُمِّي لَيْلَةً تَعْدِلُ عِبَادَةَ سَنَةٍ وَ حُمِّي لَيْلَتَيْنِ تَعْدِلُ عِبَادَةَ سَنَتَيْنِ وَ حُمِّي ثَلَاثٍ تَعْدِلُ عِبَادَةَ سَبْعِينَ سَنَةً...»؛ اگر کسی یک شب تب کند؛ معادل یک سال عبادت است و دو شب تب معادل عبادت دو سال است زیرا گناهانش می‌ریزد. بعد گفته‌اند: گاهی اوقات به قدری گناهان را

می‌ریزد که از آنجا که مسأله مرض مقداری پیرامون خودش را هم در بر می‌گیرد؛ باعث می‌شود که پدر و مادر و اقربای او هم به واسطه این مرضی که شخص گرفته مورد رحمت و غفران الهی قرار بگیرند. این هم بعد این طرف داستان مریضی است.

[۱۰] یک بعدی دارد که بعد گناه و خطاست. ولی همین خطا و گناهی که انسان انجام می‌دهد و یکی از عوامل مریضی است (که قطعاً این جزو اعتقادات ماست و حتی اعتقاد قرآنی است. در قرآن در سوره‌ی سبأ داریم: سبأ: ۱۶) فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ...؛ سیلی که ناشی از اعراض از یاد الهی است؛ [سبب غفران و آمرزش گناهان انسان می‌شود].

### ۱-۳- تأویل حوادث، نقش مثبت تفأل به خیر در روند یک حادثه

[۱۱] خب به صورت کلی چه اتفاقی برای کشور می‌افتد؟ من این را با این زاویه نگاه خدمتتان عرض می‌کنم و آن این است که ما یک تأویل احادیث داریم و اصطلاحاً یک تأویل حوادث داریم. تأویل احادیث همان چیزی است که خواب‌ها و رؤیایها را تأویل بکنند و اصل و ریشه آن را بگویند که اصل و ریشه داستان چه بوده است. خود تأویل هم به شدت مهم است و این را به یاد داشته باشید من بارها این را خدمتتان عرض کردم که ظن به خیر داشته باشید. گمان به خوب داشته باشید و بگویید: خدایا اگر گناهی بوده؛ این گناهان دارد بخشیده می‌شود. انشاءالله کشور به واسطه همین چیزها در معرض یک اتفاق خیلی خوب است. یعنی بدبینی به حوادث و احادیث و حتی خواب‌هایی که انسان می‌بیند؛ [نداشته باشید].<sup>۲</sup>

[۱۳] ببینید خود تأویل یک حادثه یا فعل در آن که حادثه را چه معنایی بکند؛ مؤثر است. این خیلی حرف مهمی است. شما یک زمانی می‌گویید: کرونا و مریضی در مملکت آمد و بدبخت شدیم و بیچاره شدیم و این مشکل اصلاً رفع نمی‌شود. چرا یک بار سیل می‌آید یک بار زلزله، حالا این بیماری؟ خود این واکنش، اگر واکنش عمومی مردم شود؛ در روند کار تأثیر دارد. این را می‌گویند تأویلات و خود تأویلات مهم است اگر شخصی مریضی یا خواب خود را به بدترین نحو تفسیر کند، واقعاً آن مریضی [یا خواب] برایش بد است.

[۱۴] این فرق دارد با اینکه بگویید: خدا این مریضی را آورده و من مریض شدم؛ احتمالاً ناشی از گناهان خودم بوده ولی گناهانم را می‌ریزد و انشاءالله برای یک پرش و جهش بزرگ آماده می‌شوم. این مهم است. برای همین گفته‌اند: «تفاءلوا بالخير تجدوه» تفأل به خیر بزنید تا آن را بیابید. [در حدیث قدسی] داریم: «أَنَا عِنْدَ ظَنِّ

<sup>۲</sup> [۱۲] در تفسیر سوره مبارک یوسف ذیل آیه ۳۱ که شخص در زندان می‌گوید: من خواب دیدیم به دار آویخته شده‌ام و پرنده‌ها از سرم می‌خورند؛ حضرت یوسف علیه السلام برایش تأویل می‌کنند و تأویل حدیث را برایش می‌کنند؛ در روایت داریم که طرف می‌گوید: آقا من خالی بستم و دروغ گفتم. آنجا آیه نازل می‌شود که: (یوسف: ۴۱) ... قُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ؛ تمام شد.

عَبْدَى الْمُؤْمِنِ بِي، إِنَّ خَيْرًا فَخَيْرًا وَإِنْ شَرًّا فَشَرًّا»؛ من در ظن بنده‌ی مؤمن خود نشسته‌ام؛ اگر به من گمان بدی دارد من هم به عبارتی بدم و اگر گمان خوبی دارد؛ من خوبم.

[۱۴] یک تأویل احادیث داریم و یک تأویل حوادث داریم. ما مدل‌های مختلفی از تأویل حوادث در دین داریم.<sup>۳</sup> یک جور تأویل این است که گناه کردیم و اینگونه شد. یک جور تأویل این است که ابتلاء صرف است. گاهی ابتلاء همراه با امتحان است. گاهی اوقات رشد است. گاهی اوقات تمام این احتمالات هست. اینکه دقیقاً کدام این‌هاست، کار ما نیست که بفهمیم. یک سری رجال الباطن هستند کسانی که می‌توانند کاملاً در عمق فرو بروند و متوجه شوند که جریان چه بود. که این‌جا این اتفاق که افتاد خیر بود یا شر بود یا ناشی از گناه بود یا ابتلا بود یا برای ارتقا بود یا برای جایگزینی بود. احتمالات مختلف وجود دارد. منتهی مراتب تَفَالُّ به خیر بزیند. وظیفه‌ای که ما داریم این است که اولاً به وظیفه خود در قبال کارهایی که باید انجام دهیم؛ عمل کنیم. ثانیاً تَفَالُّ به خیر بزینیم.

[۱۷] امروزه وظیفه ما این است که دستمان را ضد عفونی بکنیم و یک سری مراقبت‌های عمومی را که گفته‌اند؛ انجام دهیم. اما در عین حال باید این حادثه را تَفَالُّ به خیر بزینیم. همین الان هم می‌بینید که عده‌ای دارند زحمت می‌کشند و در شرایطی که همه دستور به قرنطینه‌ی خانگی دارند؛ خیلی‌ها از جان و دل مایه می‌گذارند؛ از پزشک‌ها و پرستارها و کادر درمانی گرفته تا بچه‌های جهادی. خیلی وقت‌ها این بچه‌های جهادی نمی‌توانند حالت قرنطینه داشته باشند و در خیابان‌ها مشغول ضد عفونی کردن هستند و یا تولید ماسک می‌کنند. از این جهت باید از مجاهدین این راه هم تشکر کرد.

#### ۱-۴ - پیامدهای عدم مدیریت جامع و عدم جامع‌نگری در این حادثه

[۱۹] برخی سوال‌های دیگر هم می‌شود که بنده از خیلی از آن‌ها بی اطلاع و نمی‌توانم دقیقاً چیزی بگویم. اینکه آیا بیماری محصول بیوتروریسم بوده یا نبوده؟ یک اپیدمی معمولی است یا نه؟ من این را نمی‌دانم و جواب خاصی هم برایش ندارم. طبیعتاً تحقیقات جدی‌تری باید بشود البته از این دشمنان انسانیت و بشریت بعید نیست که بخواهند از این کارها هم بکنند.

<sup>۳</sup> [۱۵] ممکن است یک نفر بچه‌اش بمیرد؛ تأویل این حادثه ممکن است بد باشد یا ممکن است خوب باشد. مثلاً فرض بفرمایید در داستان خضر و موسی علیهما السلام وقتی که خضر آن غلام (بچه) را کشت. بعد تأویل کار خود را می‌گوید و بواطن کار خود را می‌گوید: که این بچه، بچه‌ی بدی می‌شد و خدا این کار را کرد و من به امر الهی این کار را کردم (چون حضرت خضر جزو رجال الباطن بوده است و در حقیقت داشت کار حضرت عزرائیل را انجام می‌داده است) که خدا به این خانواده (کهف: ۸۱) ... خَيْرًا مِنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ رَحْمًا؛ یک فرزند بهتری بدهد. یعنی این فرزند باید برود تا یک فرزند بهتر بیاید. خلاصه در روایات داریم که خداوند به آن‌ها دختری داد که «... وَكَذَتْ سُبْعِينَ نَبِيًّا» از نسل آن دختر ۷۰ نبی به دنیا آمد و رشد کرد.

#### ۱-۴-۱. تعطیل شدن اجتماعات المؤمنین به عنوان نقطه اصلی تمرکز شیعه

[۱۹] تا اینجا تشکر از همه کسانی که زحمت می‌کشند. منتهی من یک نکته‌ی حاشیه‌ای بگویم که باید به این نکته حاشیه‌ای دقت کرد. بابت این اتفاقی که افتاد همه‌ی اجتماعات مؤمنین تعطیل شد. یعنی مشاهد مشرفه تعطیل شد. مساجد (۵۰ هزار مسجد) تعطیل شد. نماز جمعه‌ها تعطیل شدند. سفر ۵ میلیون نفری راهیان نور تعطیل شد. ۹۰ هزار هیأت در کشور تعطیل شد. اعتکاف‌ها تعطیل شد. ۱۲ هزار هسته‌ی جهادی به عنوان اردو تعطیل شد. خب همه‌ی اجتماعات مؤمنین تعطیل شد. چگونه عرض کنم که خیلی بد نشود و حاشیه‌دار نشود؟ ببینید من اگر جای نظام سلطه بودم از این فرصت به بهترین نحو می‌توانستم استفاده کنم. من فکر می‌کنم که حتماً برای اربعین ما برنامه‌هایی خواهند داشت. زیرا می‌شود چیزی را گفت و پخش کرد و فضا را به گونه‌ای مدیریت کرد که خود مردم کاری نکنند که همه این‌ها [اجتماعات مؤمنین] از بین برود.

[۲۱] اینکه آیا واقعاً مسؤل چنین کارهایی به تنهایی نظام سلامت ما باید باشد؛ جای تأمل است! در هیچ جای دنیا مسؤل کل داستان، نظام سلامت نیست. این انتقادی به جهادگران سلامت ما نیست. به هر جهت تک بعدی دیدن داستان، وظیفه آن‌هاست. آن‌ها باید تک بعدی نگاه کنند و این وظیفه و کار ویژه‌شان است. اما اینکه این همه اتفاقات را در تمرکز شیعه مورد هدف قرار دادند و نقطه‌ی اصلی تمرکز، اجتماعات المؤمنین هست [باید مورد توجه قرار گیرد]. آیا می‌توان بعداً این بساط را جمع کرد و یا به بهانه‌های دیگر [اجتماعات مؤمنین را تعطیل می‌کنند]. واقعاً ما الان بعد از این ماجرا یک آمادگی تئوریک لازم داریم. همین‌گونه ممکن است به بهانه‌های مختلفی (البته نمی‌گویم این بهانه است) بگویند: حج نمی‌توانید بروید. اربعین تعطیل. طبیعتاً نقطه‌ی اصلی داستان شیعه مورد هدف قرار می‌گیرد.

#### ۱-۴-۲. بروز شبهه‌ی اعتقادی و مشکلات فرهنگی و اقتصادی و ... و بحران مدیریت افکار عمومی

[۲۶] اینکه آیا صله‌ی رحم بالاخره شفا می‌دهد و این حرم‌ها اثر شفافبخش دارد و یا ندارد؟ این در قسمت دومی که سعی کردم نرم بحث کنم هست. اگر بخواهیم یک مقداری جدی‌تر این‌ها را بحث کنیم، طبیعتاً در این زمان وسط جنگ، خیلی زیر میز نباید زد. ولی من قطع به یقین فکر می‌کنم که نوع تعاملی که ما با این داستان کردیم [کاملاً صحیح نبوده است]. حرم ائمه شفافبخش هست البته این ملاحظاتی را باید دقت کنیم. جور دیگری می‌شد مدیریت کرد که این شبهه‌های اعتقادی که امروزه [پیش آمده است، وجود نداشت]. به هر جهت چقدر می‌شود بحث فلسفی در این زمینه کرد؟ آقا اگر ما کلاً حرم‌های ائمه علیهم السلام را تعطیل کنیم؛ در شفا بخشی ائمه علیهم السلام و عظمت ائمه علیهم السلام به جهت فلسفی چیزی نمی‌کاهد. ولو اینکه به این حرف پزشکی کاملاً عمل کنیم. ولی آیا مردم همیشه این‌ها را درست متوجه می‌شوند؟ این همان پیوست فرهنگی مهمی است که نکند مردم در آینده بگویند: ما تا به حال فکر می‌کردیم که حرم امام علیه السلام و حرم معصوم شفا بخش است

حالا همه را دعوت می‌کنیم که تعطیلش کنیم. ما تا به حال فکر می‌کردیم که صله‌ی رحم باعث ازدیاد عمر است؛ حالا باید صله‌ی رحم را تعطیل کنیم؟

[۲۸] به من باشد من خدمت شما عرض می‌کنم که این نحوه از مدیریت به این سبکش، نحوه‌ی مدیریت جامعی نبوده؛ درست همه ابعادش دیده نشده است. می‌توانیم بگوییم که صله‌ی رحم انجام شود منتهی با رعایت حالت بهداشتی. مگر ما الان سر کار نمی‌رویم؟ مگر در محیط کارمان آدم نمی‌بینیم؟ مگر جلسه نداریم؟ خب همه این‌ها را داریم. یعنی جلسه می‌رویم. محیط کار داریم. کارمندان سر کار می‌روند. کاسب‌ها شب عیدی سر کارند و حتماً دسته‌ای مشتری دارند. خب می‌شد به مردم بگوییم صله‌ی رحم بکنید با رعایت مسائل و موازین بهداشتی.

[۲۹] الان خودِ ترس [یک مشکل جدید است]. یک موقعی مراقبت است؛ خب مراقبت درست است. اما یک موقع ترس است. ترس چه فایده‌ای دارد؟ انسان اینقدر بترسد! خود اطبا هم می‌فرمایند: ترس باعث پایین آمدن مقاومت بدن می‌شود. کلافگی که الان به خیلی‌ها دست داده و واقعاً اعصابشان را رنده می‌کند؛ شک نکنید که خودش در ابتلا به بیماری مؤثر است. یک مقداری بازتر و با لبخندتر نسبت به این پدیده برخورد کردن به صورتی که در این فضاها جامع نظری کرده باشند؛ [لازم است]. معمولاً در بحران‌ها یک بحران جدیدی داریم به نام بحران مدیریت فضا و بحران مدیریت افکار عمومی. ببینید کم اتفاقی نیافتاده است. تقریباً تمام کسب و کارهای خرد در معرض ورشکستگی‌اند. کسانی که لباس می‌خواهند؛ خب بروند لباس بخرند. شب عید با رعایت موازین خرید کنند و کارشان را بکنند. آیا می‌شود این کسب و کارها را نجات داد؟ کافی است دو ماه دیگر به این منوال با این کسب و کارها برخورد کنیم.

[۳۱] تک بعدی دیدن همین می‌شود. فقط بعد فرهنگی هم نیست. بعدهای اقتصادی هم هست. این کارها را در دنیا به عهده نظام سلامت نمی‌گذارند. رئیس ستاد، نظام سلامت نیست. رئیس ستادش، رئیس جمهور یا معاون اول اوست. در دنیا هم می‌بینید این اشخاص رئیس ستاد این امور قرار می‌گیرند تا بتوانند همه جوانب را در نظر بگیرند. طبیعتاً نظام سلامت ما به سلامت فکر می‌کند و اساساً وظیفه ندارد که به چیز دیگری فکر کند. فقط و فقط سلامت؛ نه به بازار قرار است فکر بکند نه به فرهنگ قرار است فکر کند. نه به اعتقادات مردم قرار است فکر کند. نه به اجتماعات قرار است فکر بکند. نه به مسائل مسافرت و گردشگری قرار است فکر بکند. نه به حوزه اقتصادی قرار است فکر بکند. فقط باید به سلامت فکر کند. از این جهت این انتقاد وارد است اما به هر جهت ما هم داریم همین مسیر و منشآت را می‌رویم.



### ۱-۴-۳. نادیده گرفتن نقشه‌های نظام سلطه

[۲۳] خب این فیلم‌های آخرالزمانی<sup>۴</sup> را هم طبیعتاً دیده‌اید که در مورد شیوع بیماری‌های ویروسی است. در این که نظام سلطه، نظام پدرسوخته‌ای هست؛ هیچ تردیدی نیست. ما در اولین مواجهه با این داستان [اپیدمی] این کار [تعطیلی اجتماعات مؤمنین] را کردیم ملامتی به ما نیست ولی به نظر من یک آمادگی تئوریک جدی‌تری می‌خواهیم و همه جنبه‌نگری در این داستان‌ها می‌خواهیم که متوجه باشیم بی جا یک پازلی را تکمیل نکرده باشیم. فکر کنم در نرم‌ترین حالت توانستم مطلب را برسانم.

[۳۵] در زمینه‌ی آخر الزمان و این طاعون سرخ و سفید من تحقیق نکردم که بتوانم نظر جدی بدهم و یا حتی بتوانم با این فضاهای امروزی خودمان تطبیق کنم. ولی در این فیلم‌های آخرالزمانی که می‌سازند روی این بیماری‌های واگیری ویروسی دارند تأکید می‌کنند. منتهی مراتب آنها از این ماجرا منجی به نام WHO (سازمان بهداشت جهانی) در می‌آورند و خلاصه آدرس غلط دادن درباره منجی است. اینکه منجی در عالم کیست و چگونه است. شما من را دارید در بحثی می‌برید که من مجبورم لبه‌دار صحبت کنم و گاهی اوقات وسط این جریانات، لبه‌دار حرف زدن فکر می‌کنم کار را خراب می‌کند. از جریانات هم که خارج شویم دیگر کسی حرف گوش نمی‌کند. این مشکل را هم ما داریم. ولی اگر همه ما حواسمان به این پیوست‌ها می‌بود؛ ممکن بود برخورد دیگری با یک پدیده پزشکی صرف کنیم. اینها زمینه‌ای برای بحث‌های آخر الزمانی است. World war z تولید سال ۲۰۱۳ است. یعنی شما ببینید که اینها از ۷-۸ سال پیش دارند روی این بحث‌ها [نقشه می‌کشند]. یا Contagion محصول چندین سال پیش است (۲۰۱۱) که بهترین هنر پیشه‌هایشان را می‌آورند. بهترین فیلم-های آخر الزمانی را می‌سازند و نقطه تمرکزشان مسأله بیماری‌های واگیردار است. بیشتر از این بخواهم نسبت به این قضیه حرف بزنم؛ می‌دانم لبه‌دار می‌شود. کافی است که شما آمار کرونا را با آمار تصادفات جاده‌ای ما و یا چندین آمار دیگر مقایسه کنید. آن موقع می‌فهمید که آیا علم را تعطیل کردن، مشاهد را تعطیل کردن، مدارس را تعطیل کردن، اعتکاف را تعطیل کردن، مساجد و هیأت را تعطیل کردن و اصلاً هر چه اجتماع المؤمنین است را تعطیل کردن [منطقی بود؟]. بیابید بعد از این جریانات یک بحث تئوریک جدی کنیم و آماده باشیم برای اربعین. چون قطعاً نقطه قوت اربعین را به همین شیوه از ما خواهند گرفت و باید مراقب این داستان‌ها هم باشیم.

### ۱-۵-۱- مجال دادن به طب‌های جایگزین برای درمان چنین بیماری‌هایی

[۲۴] سوال دیگری در مورد کرونا یادم نمی‌آید. نوعاً سوال اعتقادی در مورد کرونا از ما می‌کردند. ولی جا دارد از بچه‌هایی که دارند زحمت می‌کشند از پزشک‌ها و پرستارها و کادر درمانی تشکر کنیم. یک چیز دیگری هم

<sup>۴</sup>Contagion: شیوع و world war z

هست. باز من تخصص ندارم ولی این رویکرد را نمی‌پسندم. مثلاً کسی یک شیاف خاصی را توصیه کرده که مثلاً در طب سنتی همچنین درمانی وجود دارد. به نظر من این‌ها مسخره کردن ندارد. در همه‌ی دنیا من رفتم و دیده‌ام که به طب‌های آترناتیو و جایگزین مجال می‌دهند. بالاخره این طب‌ها باید بیایند دانشکده پیدا کنند و رسماً تحقیقات انجام دهند و بتوانند با همدیگر گفتگو کنند. اینکه بگوییم طب یک دنده دارد و همین طب جدید است، واقعاً اینگونه نیست و از زوایای دیگری می‌شود طب را بررسی کرد. بحث مفصلی وجود دارد و بنده هم در این قضیه بحث دارم. منتهی الان نمی‌خواهم خیلی وارد جزئیاتش شوم. این طب‌ها، مسخره کردن ندارد. البته رفتارهای ضایعی مثل حرم لیسیدن، کارهای قابل ذکری نیست. هیچ موقع ما مشاهد مشرفه را نمی‌لیسیدیم و حداکثر می‌بوسیدیم. این کارهای مزخرفی که انجام می‌شود مشخص است که مورد تأیید نیست.

### ۱-۶- نقش دعا خصوصاً دعای هفتم صحیفه [در رفع و دفع بیماری و بلا چیست؟]

[۳۲] اساساً در مورد پدیده دعا کردن داریم: «الدَّعَاءُ يَرُدُّ الْقَضَاءَ وَقَدْ اِئْرِمَ اِبْرَامًا»؛ این را ما باید اعتقاد داشته باشیم. که دعا می‌تواند یک سپر محافظتی برای ما در دفع بلا یا ایجاد کند. من نمی‌گویم معابر را ضد عفونی نکنید ولی دعا هم بخوانید. چه این دعای هفتم صحیفه که حضرت آقا تأکید کرده‌اند که دعای خوش مضمونی است برای دفع بلا؛ چه بقیه ذکرهایی که هست و توصیه شده است. چهار قل بخوانید و به خودتان فوت کنید. فوت کردن داریم. دم دادن داریم. یک چهار قل بخوانید و یا با زبان خودتان از سر سویدای دلتان دعا بکنید. نماز بخوانید. نماز جعفر طیار بخوانید. این‌ها هم تأثیر دارد. خدا می‌فرماید: (انعام: ۶۱) ... وَ يُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً؛ خدا یک سری ملائکه را برای حفاظت می‌فرستد که انسان را حفاظت می‌کنند. لذا این همه تمرکز بر اینکه فقط ضد عفونی، درست نیست. وقتی خدا ملائکه محافظی دارد که اینها دارند انسان را حفظ می‌کنند. خب در کنار این ضد عفونی یکی از حساسیت‌های آدم‌ها این باشد که آیا من دعا کردم یا نه؟ سجده کردم یا نکردم؟ این دعا را خواندم یا نه؟ آقای بهجت رحمه الله می‌گفتند: صلوات بفرستید و بعد سه مرتبه این دعا: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي دَرْعِكَ الْحَصِينَةِ الَّتِي تَجْعَلُ فِيهَا مَنْ تُرِيدُ» را بخوانید و باز دوباره صلوات بفرستید. این را برای خود بخوانید که خدایا من را و جامعه را در آن درع حصینه خود قرار بده. قطعاً دعا برای خود آدم، هم نقش روانی دارد و هم نقش واقعی در کینونت عالم دارد. از این جهت توصیه به دعا هم سر جای خود مهم است.

### ۲- دین واحد منطبق با فطرت

[۴۲] خدا حرفش یکی است. اینکه ما می‌گوییم ادیان، اصلاً قرآن همچنین چیزی ندارد. دین دارد و می‌گوید: (آل عمران: ۱۹) **إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ**. یک حرف دارد و آن حرفش همان حرف کلی است که آورده است که منطبق با فطرت است (روم: ۳۰) **فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا**.

## ۲-۱- تصدیق کتب قبلی در عین تصدیق انبیاء قبلی، نشانه وحدت محتوایی در دین

[۳۹] به همین خاطر یادمان هست که در سوره‌ی مبارکه‌ی مائده داریم: (مائده: ۴۶) **وَقَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ...**؛ ما بر آثار و پیامد آن‌ها، عیسی ابن مریم را آوردیم. عیسی ابن مریم خودش **مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ** است؛ خودش مصدق تورات است. و بعد از آن... **وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ** ... انجیل را به او دادیم که در آن هدایت و نور است و **مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ** است. یعنی چه؟ یعنی فقط پیغمبر نمی‌آید که بگوید: پیغمبر قبلی، پیغمبر بود. من آدمم و الان چیز جدیدی در دستم دارم. نه، هم پیغمبر می‌آید و پیغمبر قبلی را تصدیق می‌کند و هم کتابش، کتاب قبلی را تصدیق می‌کند. یعنی کتابش هم، کتاب قبل را تصدیق می‌کند.

[۴۱] دقت فرمودید چه عرض شد؟ ما فکر می‌کنیم مانند رئیس جمهوری است که می‌آید و می‌گوید: رئیس جمهور گذشته رئیس جمهور بود و اما من کارم را با شیوه‌ی خودم ادامه می‌دهم. در صورتی که اینگونه نیست. این همان حرف واحدی است که خداوند در صحف آسمانی آورده است. مثل امام رحمه الله و آقا می‌ماند. که یک کسی می‌آید و می‌گوید: امام، امام بود و ولی‌ی جامعه بود و ولی‌ی فقیه بود. و من هم ولی‌ی فقیه‌ام. ولی همین خط فکری دارد ادامه پیدا کند. اینگونه هست که همان خط و همان جریان دارد ادامه پیدا می‌کند. یعنی حرف، همان است.

## ۲-۲- لا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ...، ایمان به محتوای واحد دین

[۴۲] برای همین در همین آیاتی که خواندیم داریم: (بقره: ۱۳۶) **قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْ...؛** ای مردم بگویید: ما به همه‌شان ایمان داریم. ببینید ایمان داریم یعنی باور داریم نه ایمان داریم که نازل شده است. نخیر بگویید که ما ایمان داریم به **وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطِ وَ مَا أُوتِيَ مُوسَى وَ عِيسَى وَ مَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ** ما به همه‌اش ایمان داریم. ببینید ایمان داریم. نه اینکه ایمان داریم نسبت به اینکه اینها پیغمبر بودند و حرف‌هایی را هم زده‌اند. بحث این است که وقتی می‌گوییم ایمان داریم یعنی به آن محتوا ایمان داریم. پس یعنی کتاب، کتاب را تصدیق می‌کند. **... لا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ؛** معنی‌اش این نیست که ما فرق نمی‌گذاریم بین پیغمبران، قبول همه‌شان پیغمبر بوده‌اند. مثل اینکه ما فرق نمی‌گذاریم بین رئیس جمهورها، همه‌شان رئیس جمهور بوده‌اند. نه اینگونه نیست. فرق نمی‌گذاریم یعنی واقعاً در حرف، حرفشان یکی است.

## ۲-۲-۱. پذیرش مهیمن بودن قرآن و تفضیل برخی انبیاء بر برخی دیگر در عین پذیرش دین واحد

[۴۴] بله من باب همان مقدار تفضیلی که انبیاء بر همدیگر دارند که (اسراء: ۵۵) **... وَ لَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَىٰ بَعْضٍ...**؛ بعضی از نبیین بر بعضی تفضیل دارند؛ ما هم در همان حد تفضیل را قائلیم. کما اینکه هیمنه کتاب

قرآن را بر صحف پیشین قائلیم. ... مَهْمِينًا عَلَيْهِ ... است. ولی نه اینکه کلاً خدا متدش را عوض کرده است. انگار قواعد کار را عوض کرده است و الان یک گونه دیگر است. نخیر اینگونه نیست. قواعد کار همان قواعد کار است که این بشر را از بچگی تا بزرگی پرورش می‌دهد.

## ۲-۳ - شرایع شعبه‌ای از دین واحد؛ تفاوت در مناسک نه در محتوای دین.

[۳۸] در آیاتی که در محضرشان بودیم گفتیم: قرآن و صحف آسمانی در سطح دین می‌ایستند و نه در سطح شریعت. در سطح شرایع نمی‌ایستند و اگر هم ما شریعتی داریم شریعت به خاطر این است که انسان را به دین می‌رساند و شعبه‌ی دین است. به عبارتی شریعت دین است. این نکته، نکته‌ی بسیار مهمی است که در زمینه تبلیغ و در زمینه‌های مختلف در بررسی‌های دینی اهمیت دارد.

[۴۵] بله، منسک فرق دارد. مناسکش فرق دارد (حج: ۶۷) **لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ**؛ مناسک فرق دارد و این درست است. اما این غیر از این است که دین فرق دارد. نه دین فرقی ندارد و ما باید در این سطح بایستیم.

## ۲-۳-۱. تمامیت خواهی یهود و نصاری ناشی از تعریف دین در سطح شریعت

[۴۵] یکی از کارهایی که یهود و نصاری می‌کرده اند؛ تمامیت خواهی است که گاهی اوقات به ما هم سرایت کرده است. آیه‌ی ۱۳۵ را ببینید. (بقره: ۱۳۵) **وَ قَالُوا كُونُوا هُوداً أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا...**؛ حرفشان این است که یهودی باشید یا نصاری تا هدایت شوید. البته نه اینکه یهودی و نصاری با هم خوبند که یا یهودی باشید و یا نصاری که هدایت شوید ما در قرآن از این عبارات را داریم که: (بقره: ۱۲۰) **وَ لَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَ لَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ...**؛ یهود و نصاری از شما راضی نمی‌شوند تا اینکه تبعیت از روششان نکنید.

[۴۶] این به آن معنا نیست که آن‌ها صاحب یک روش هستند. نه آن‌ها هم با هم مشکل دارند. قرآن نشان می‌دهد که این‌ها خودشان هم با هم مشکل دارند. زیرا تمامیت خواهی یعنی این. یعنی شما بیایید دین را از دین بیرون بیاندازید و در شرایع تعریف کنید. کلاً این کار را نمی‌توان کرد و دین باید در منطقه و سطح خود دین باقی بماند. شما آیه‌ی ۱۱۳ بقره را ببینید (بقره: ۱۱۳) **وَ قَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَى عَلَى شَيْءٍ وَ قَالَتِ النَّصَارَى لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَى شَيْءٍ وَ هُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ**؛ یهود می‌گوید: نصاری به هیچ چیز نیست و نصاری می‌گوید: یهود به هیچ چیز نیست. ما هم می‌گوییم آن‌ها هر دو به هیچ چیز نیستند. این همان تمامیت خواهی است که ما نمی‌دانیم که اگر شما دین را در سطح شریعت معنی نکنید و در شریعت ببندید؛ هیچ خدمتی به دین نکرده‌ای. شرایع و مناسک برای رساندن به دین است. سطح قرآن این است. به این باید یک توجه جدی کرد.

۲-۳-۲ پذیرش نظام سلطه به جای نظام دینی (برتر دانستن کفار از مؤمنین)، نتیجه تعریف دین در

### سطح شریعت

[۴۸] از این جهت است که قرآن با یک حساسیتی این بحث را دنبال می‌کند. سوره‌ی مبارکه‌ی نساء را ببینید. [یهود و نصاری] حتی در ارتباطشان با مؤمنین به کفار می‌گویند: شما از مؤمنین برترید. یعنی کسی که این سطح بحث برایش حل نشده یعنی خودش را بر حق مطلق می‌داند و دین را در سطح شریعت تعریف می‌کند؛ [دچار چنین خطایی می‌شوند]. خیلی‌ها را می‌بینید که با نظام سلطه حاضرند کنار بیایند اما با نظام ولایت فقیه نمی‌توانند کنار بیایند. یعنی با سلطه‌ی طاغوت کنار می‌آیند اما با تسلط نظام دینی کنار نمی‌آیند و می‌گویند: این فاسد است و آن فاسد نیست. طاغوت سلطه ایجاد کند اشکال ندارد. این به خاطر چیست؟ یک دلیلش بحث‌های حسادت است که در قرآن هم آمده است. یک دلیلش هم این است که واقعاً وقتی می‌برد در آن سطح [شریعت] می‌ریزد؛ سطح دین، مورد فراموشی قرار می‌گیرد. (نساء: ۵۱) **أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أَوْتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَى مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا**؛ نمی‌بینی کسانی که نصیبی از کتاب گرفتند؛ **يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ** و **يَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَى مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا**؛ یهودی‌ها زمانی که می‌گویند: **كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا** هر کدامشان می‌گوید: من باش آن یکی بیخود است. بیخود است یعنی در حدی است که حتی از کفار هم بدتر است. ... **يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَى مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا**؛ به کفار می‌گویند: که اینها [کفار]، از مؤمنین راهشان به هدایت نزدیک‌تر است.

### ۲-۴ - تفرقه در دین فطری مساوی شرک

[۵۰] این حساسیت را در آیه‌ی ۳۱ سوره مبارکه روم می‌بینید. در آیه معروف ۳۰ نگاه کنید که می‌گوید: دین بر پایه‌ی فطرت است و عملاً صحف آسمانی با فرا انسان صحبت کرده است. با انسان صحبت کرده است. نه انسان در یک تاریخ و در یک زمان و در یک مکان. می‌فرماید: (روم: ۳۰) **فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ**. بعد از آیه ۳۰ که آیه مهمی بود و در این مدت هم خیلی به آن اشاره کردیم می‌فرماید: (روم: ۳۱) **مُنِيبِينَ إِلَيْهِ**...؛ اینها در حقیقت در حالتی‌اند که حالت انابه دارد یعنی پایبندی شما به فطرت باید به گونه‌ای باشد که منیبین الیه باشید. انابه به سمت دین و به سمت خدا و روی به سمت خدا داشته باشید. ... **وَأَتَّقُوا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ**؛ از مشرکین نباشید. حالا می‌گوید مشرکین چه کسانی‌اند؟ (روم: ۳۲) **مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ**؛ مشرکین کسانی هستند که در دین فطری خود تفرقه ایجاد کرده‌اند و آن را بخش‌بخش و شیعه‌شیعه کرده‌اند. حزب حزب کرده‌اند؛ نه حزب زیر نظر [ولی] که می‌شود حزب الله. اینکه شما دین که چیز واحدی است را قسمت قسمت و شیعه شیعه و حزب حزب کنید. بعد بگویید: این حزب درست است و آن حزب درست نیست [شرک است].

## ۲-۴-۱. **كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ**؛ حزب‌های مشرک

[۵۳] قرآن بعد می‌فرماید: ... **كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ**؛ واقعاً هر کدام از اینها فرح‌اند. یعنی سرخوش‌اند. یعنی دلخوش‌اند به این کاری که کردند و دین را فرقه فرقه کردند. همان چیزی که اساساً نمی‌شود حزبش کرد. زیرا دین، منطق واحدی است که نمی‌توان آنرا به حزب تبدیل کرد. حال اینها امتدادهای سیاسی جدی می‌تواند داشته باشد که ما اگر بخواهیم احزابی داشته باشیم که هم حزب باشد و هم از این سنخ حزب‌های مشرک نباشد؛ که ... **كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ** نشود؛ ویژگی‌های امام در این میان چه باید باشد؟ امام، امام است به دلیل اینکه همه را بتواند زیر پر خود بگیرد. امام چگونه باید باشد و خود این احزاب چگونه باید باشند که حزب باطل نشوند؟ اینها همه آبشخور به سمت اصل انقلاب باشند. نه اینکه یکی آبشخور به سمت انقلاب باشد و یکی اصلاً خودش را آبشخور به سمت انقلاب نمی‌داند. پس این چه حزبی است؟ به آن آبشخور اصلی و سرشاخه‌ی اصلی باید متصل باشد تا حزب واقعی بشود وگرنه همین حالت شرک ... **كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ** در آن‌ها هم اتفاق می‌افتد.

## ۲-۵- **تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ**؛ هر امتی مرهون اعمال خودش

[۵۵] این آیه‌ی (بقره: ۱۳۴) **تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ لَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَ لَا تَسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ** را هم عرض کنیم و تمام. بعد از این جریاناتی که [حضرت یعقوب به فرزنداناش] گفت: (بقره: ۱۳۳) ... **إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِن بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَ آلَكَ أَبَائِكَ إِزَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ**. این آیه چند بار تکرار شده است که می‌فرماید: **تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ**...؛ گروهی که بودند که رفتند. ... **لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ لَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ**...؛ آن‌ها برای خودشان و شما برای خودتان.

[۵۵] ببینید این مقدار که آدم فکر کند دارد بر آثار پیشینیان قدم می‌نهد و به گونه‌ای است که من آنم که رستم بود پهلوان! ما بالاخره اینگونه بودیم و انقلاب کردیم و در گذشته چهارصد سال پیش اینگونه بودیم؛ نه این حرف‌ها نیست. ماییم و این اجتماعی که داریم. یک موقع آدم می‌گوید من این را الگوی خود قرار می‌دهم و بر اساس این الگو عمل می‌کنم؛ [این خوب است]. اما افتخار به نیاکان که این مقدار آدم‌ها سعی می‌کنند افتخار بکنند را قرآن واقعاً قبول نکرده است. می‌گوید: اگر قبلی‌ها بد بودند خب بد بودند چه ربطی به شما دارد؟ شما چرا بدید؟ اگر شما بگویید که من بر عرف زمانه و نیاکان خودم این حرکت‌ها را انجام می‌دهم؛ می‌گوید: بیخود انجام می‌دهی! شما اگر بگویید آباء ما اینگونه بوده‌اند؛ خب می‌فرماید: بیخود اینگونه بوده‌اند. یک موقع هم اگر بخواهید افتخار بکنید که من فرزند فلان نبی‌ام؛ این را هم قبول نمی‌کند و خلاصه (مدثر: ۳۸) **كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ**؛ هر نفسی مرهون آن کارهایی است که انجام می‌دهد. همه جوامع، امم، افراد خودشان ببینند چه هستند؟ خودشان ببینند کار درست چیست که باید انجام دهند. وگرنه تمام نیاکان انسان حتی اگر انبیا باشند؛ آخرش

کاری از امور انسان را حل نمی‌کند. نه در این دنیا نه در آن دنیا. باید ببینیم که چه کار کردیم و چه کار باید بکنیم.

[۵۸] به همین خاطر چند بار در قرآن آمده که (بقره:۱۳۴). **تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ...؛** یک امتی بود که ماجرایش تمام شد. ... **لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ لَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ...؛** هر چه آنها کسب کردند برای خودشان و آن چیزهایی که برای شماست، برای شماست. شما حواستان را جمع بکنید و ببینید چه کار می‌کنید. ... **وَ لَا تَسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛** شما به واسطه‌ی کار قبلی‌ها زیر سوال نمی‌روید. آن‌ها جواب خودشان را می‌دهند و شما هم جواب خودتان را می‌دهید. آباء شما جواب خودشان را می‌دهند و شما هم جواب خودتان را می‌دهید.

اللهم صل علی محمد و آل محمد